

نوشتن،

فصل مشترک همهٔ ساحت‌های یادگیری

گفت‌وگو با دکتر محمود امانی طهرانی
مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های درسی

حسین حسینی نژاد
عکس: اعظم لاریجانی

متوسطهٔ نظری شدیم تا دربارهٔ این موضوع، و برنامه‌های این دفتر در زمینهٔ توجه به حوزهٔ نوشتن گفت‌وگو کنیم.

برای ورود به بحث، علاقه‌مندیم از دیدگاه شما در حوزهٔ نوشتن، بیشتر اطلاع پیدا کنیم.

من نوشتن را از مهم‌ترین ابعاد آموزش و رشد می‌دانم. آموزش جامع نوشتن برای آحاد شهروندان و دانش‌آموزان از مهم‌ترین مأموریت‌های نظام رسمی آموزش و پرورش است. البته منظور ما از نوشتن نه املا به معنی درست‌نویسی است و نه انشا به معنای رایج و جاری که امروزه در کشور ما هست. آنچه از نوشتن و نگارش مورد تأکید است، در واقع

اشاره

اگر نوشتن را یکی از مهارت‌های پایهٔ یادگیری در همهٔ حوزه‌ها بدانیم و نه حوزه‌ای مجزا و محدود به درس نگارش، اهمیت توجه به این مهارت بیشتر روشن می‌شود.

برطرف کردن مشکل اساسی «ضعف در نوشتن» در اکثر افراد جامعه، توجه همه‌جانبه به این مسئله را در نظام آموزشی می‌طلبد. مهمان دکتر امانی مدیر کل دفتر تألیف کتب درسی ابتدایی و



آنچه از نوشتن و نگارش مورد تأکید است، انواع نوشتن برای رساندن مقصودهای مختلف صورت می‌گیرد و طبقه‌بندی‌های مختلفی دارد. نوشتن انواع گزارش‌ها، نوشتن خلاقانه، نگارش‌ها، نوشتن خلاقانه، گروهی و تکنیکی همه در آن جای می‌گیرد. ادبی تنها بخشی از آن است

مثال، در آزمون IELTS دو موضوع به شما می‌دهند: یک مطلب توصیفی و دیگری مطلب تحلیلی. شما در مطلب توصیفی حق اظهار نظر ندارید ولی در بخش تحلیلی باید تکنیک داشته باشید؛ موضوع را بگویید و بعد موضوع خود را هم نسبت به موضوع بیان کنید. حق ندارید یک‌سویه نظر بدهید. این‌ها الفبای نوشتن تحلیلی است. در هر صورت، به نظر من نوشتن موضوع مشترک همهٔ ساحت‌های یادگیری است و وجه اصلی آن ارائه است که افراد را بسیار رشد می‌دهد و می‌پروراند.

نوشتن یک مسئله عمیق توسعه‌ای در کل جامعه است و بسیاری از سوءفهم‌ها از ضعف در آن است. به نظر من، یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های نظام آموزشی کشور آموزش نوشتن است. ما هنوز در کشورمان گروه‌های حرفه‌ای در حوزه نوشتن نداریم. من خیلی تلاش کردم تا مجموعه‌ای از مهارت‌های نوشتن در نظام‌های آموزشی دنیا تهیه کنم و در اختیار گروه‌های درسی بگذارم تا با مدل «تکنیکال رایتنینگ» آشنا بشوند.

دیدگاه‌های شما بسیار روشن است ولی ورود آن به برنامه‌های درسی با توجه به

مسئولیت شما بسیار کند است. به نظر شما چه موانعی سر راه هست که مانع اجرایی شدن آن می‌شود؟

در کار حرفه‌ای ما مثلی هست که یک ضلع آن طراحی برنامه درسی است که در این طراحی ما باید نقشه‌ها را بچینیم. ضلع دوم، تدوین برنامه درسی است؛ یعنی تولید برنامه آموزشی مورد نیاز. ضلع سوم آن اجرای برنامه درسی است. اگر در یکی از این سه بعد ضعف داشتید، برنامه شما عملاً اجرا نمی‌شود. در این نوع مسائل، چرخه‌ای باید طی شود که یک دوره ده ساله دارد. قرار گرفتن نوشتن و نگارش به‌عنوان جزء اصلی در کنار کتاب فارسی، یک قدم به پیش بود و در پاره‌ای از کتاب‌ها با تغییر نام و در پاره‌ای دیگر با تألیف جدیدی انجام شد؛ یعنی در این فضا شش کتاب تألیف شد. نگارش هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم که کتاب‌های کاملاً جدیدی بودند. پس، این‌گونه نبود که کار متوقف شود. در طراحی و تدوین قدم‌هایی برداشته شد و به مدارس رفته و در حال اجراست و من معتقدم این یک حرکت به پیش بود. این کتاب‌ها در مسیر حرکت نمره قبولی گرفته‌اند.



انواع نوشتن است که برای رساندن مقصودهای مختلف صورت می‌گیرد و طبقه‌بندی‌های مختلفی دارد. نوشتن علمی، نوشتن انواع گزارش‌ها، نوشتن خلاقانه، نوشتن‌های گروهی و تکنیکی همه در آن جای می‌گیرد. نوشتن ادبی تنها بخشی از آن است که در جای خود بسیار مهم است و دربرگیرندهٔ داستان‌نویسی، روایات، زندگی‌نامه، زندگی‌نامه خودنوشت (اتوبیوگرافی)، نقد و تحلیل، توصیف، تحلیل و تفسیر و... .

اهمیت عمده نوشتن، متصل بودن به تفکر و استدلال است. بی‌دلیل نیست که عنوان کتاب خانم واتانابه «پرورش هنر استدلال» که دربارهٔ نوشتن و مقایسه تحلیل نوشتن در ژاپن و امریکا است، به مسئله استدلال مرتبط می‌شود.

به دلیل نگاه گسترده به موضوع نوشتن و اقداماتی که خوشبختانه در نظام آموزشی انجام شده، در تمام پایه‌های تحصیلی در کنار کتاب فارسی کتابی با عنوان نگارش موجود است. از دید من، نوشتن به درس ادبیات اختصاص ندارد و مهارتی عام است برای رشد فکری بچه‌ها.

در این نوع از نگارش، نگاه تکنیکی خیلی مهم است. گرچه ما این حرکت را آغاز کرده‌ایم ولی نسبت به کشورهای غربی در فاز اول این کار هستیم و در فازهای بعدی باید اقدامات جدی در باب تقویت وجه فنی انجام دهیم. با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، آینده نوشتن روزبه‌روز مهم‌تر از گذشته است و نه‌تنها اهمیت آن کاهش پیدا نمی‌کند بلکه مخاطب هر نوشته‌ده‌ها برابر قبل است. نگارش در همهٔ دروس اعم از دینی، علوم، اجتماعی، ریاضی و... مطرح است. مثلی که من همه جا مطرح می‌کنم، تحت عنوان «مثلث یادگیری مطلوب» در واقع، دارای سه ضلع طراحی آموزشی، رسانه‌های پر شمار یادگیری

و برون‌داد است. بخش عمده ارائه یا برون‌داد مبتنی بر نگارش است؛ حتی ارائه ویدیویی و... که همگی مبتنی بر متن است. در جامعه ما بی‌حساب حرف زدن خیلی رایج است و بی‌سوادی در بی‌حساب حرف زدن‌ها به آسانی آشکار می‌شود، اما چون شفاهی است مورد پیگیری قرار نمی‌گیرد. بدون استناد صحبت کردن و نیز عددها، آمارها و تعمیم‌های بی‌حساب و تلفظ‌های غلط نشان این است که افراد با وجود داشتن دکتری، لیسانس و فوق‌لیسانس باسواد نشده‌اند.

نوشتن یکی از راه‌هایی است که می‌تواند این وضع را به‌طور جدی بهبود بخشد. گاهی در کتاب‌های درسی می‌بینیم جملاتی هست که اگر کسی بیاید بگوید منبع آن چیست، شاید نویسنده نتواند توضیح دهد. در فضای علمی کسی حق ندارد بدون استناد حرف بزند و تنها می‌تواند نظریه‌های خود را در چارچوب‌های خاص بیان کند. در نوشته‌های توصیفی، دقیق حرف زدن و اعتبار علمی مسئله مهمی است. برای

البته حرفه‌ای شدن ده سالی زمان می‌خواهد. در همین حین که نسخه یک چرخه طراحی و تدوین و اجرا را می‌گذرانند، باید بررسی‌ها، پژوهش‌ها، مطالعات بین‌المللی، کسب تجربه‌های دیگران یعنی شکل‌گیری نقطه‌های بهبود و حتی اصلاح و بازنگری و تجدید تألیف این برنامه به وجود بیاید.

معمولاً این کارها پذیرای اصلاحات پیاپی و زودگذر نیستند و باید چرخه را خیلی با جدیت اجرا کرد. من معتقدم که باید از کاری که در این شش سال انجام شده است یا حداقل دوره هفت و هشت و نه یک ارزشیابی دوره‌ای بشود و در آن ارزشیابی، اطلاعات مربوط به برنامه، مواد آموزشی و نتایج عنوان شود و عنصرهایی که به بهبود نیاز دارند، مشخص گردد. کند بودن آن به این خاطر است که ما خیلی دیر شروع کردیم. وقتی هم که شروع کردیم، آن بدنه نیروی قوی ویژه این کار را نداشتیم.

می‌خواهم بگویم که مسیر حرکتی که صورت گرفته، مسیر درستی است. این‌طور کارها باید زمان طبیعی رشد را طی کند. آفتی که ممکن است به این کارها بخورد این است که جدیت آن‌ها در طول زمان کمرنگ شود و از بین برود. باز تأکید می‌کنم که باید بین آن سه ضلع مثلث تفکیک قائل شد. ادعای ما در برنامه جدید این است که ما برنامه داریم، برنامه درسی طراحی کرده‌ایم و برای آن نقشه ارائه داده‌ایم. البته در این طراحی برای شش سال ابتدایی تألیف نشده و کتاب‌ها همان کتاب‌های قبلی است. بعدها باید به تجدید تألیف آن‌ها هم برسیم. قبلاً کتاب «بنویسیم» بوده که طبق این نقشه نبوده است. عجالتاً نام آن‌ها هم شده نگارش که نوعی حرکت ظاهر به باطن است اما شش کتاب بعدی که تألیف شده، مبتنی بر همین برنامه است. در فاز دوم تدوین و تولید کتاب‌های درسی باید کار برنامه از نظر صاحب‌نظران و دیدگاه آن‌ها و نیز کار تدوین مواد آموزشی و تولید از دید تجربه‌های جهانی را مورد توجه قرار دهیم.

در فضای علمی کسی حق ندارد بدون استناد حرف بزند و تنه‌های خود را در چارچوب‌های خاص بیان کند. در نوشته‌های توصیفی، دقت علمی مسئله مهمی است

چالش اجرا

البته اجرا هم برای خود، مسائل زیادی دارد. ضروری است که هر یک از آن‌ها را جداگانه ببینیم؛ چرا که خیلی از مواقع ممکن است برنامه‌ای در مرحله طراحی و تدوین نمره قبولی خوبی داشته باشد اما آنچه نمی‌گذارد این برنامه به کامیابی برسد، اجرای ضعیف آن است و این اجرای ضعیف برمی‌گردد به شرایط مختلفی که در مدارس حاکم است. مثل اهمیتی که برای این درس قائل‌اند و نیروی انسانی که برای اجرای آن به‌کار گرفته می‌شود و مسائلی که از دست برنامه‌ریزان و تولیدکنندگان مواد

آموزشی خارج است.

اگر هر کدام از این‌ها جداگانه بررسی شود، تکلیف جاهایی که باید به‌طور جدی به آن‌ها پرداخت روشن می‌شود. تصور من این است که یک برنامه ممکن است نمره هر یک از این اجزایش با هم متفاوت باشد. در یک مرحله نمره قبولی بگیرد و در یک مرحله نه. یک برنامه ضعیف را یک اجرای خوب می‌تواند به نمره قبولی برساند و به‌عکس.

اگر ما به سرعت، قبل از اینکه عامل اصلی و نقص را بیابیم با یک حکم کلی بگوییم کامیابی لازم را نداشته‌ایم، نمی‌توانیم به نتیجه مطلوب برسیم. در هر برنامه، به‌طور معمول گروه ایجادکننده برنامه، بیشترین فهم را از برنامه و بیشترین ایمان را به آن دارند. در بعضی از زمینه‌ها سلاقی، رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. اما در بعضی زمینه‌ها تقریباً نوعی تفاهم جهانی به وجود آمده است. در حوزه آموزشی من که آموزش علم است، یک تفاهم جهانی وجود دارد. تکلیف، دیسپلین، مهارت‌ها و متن‌ها و انتظارات عملکردهای بچه‌ها در آن معلوم است.

کشورها به نسبت پیشرفت در عملیاتی کردن آموزش و آزمون‌ها و... با هم متفاوت‌اند نه در سوگیری اساسی. البته در بعضی زمینه‌ها مثل زبان آموزی نظریه‌ها خیلی با هم متفاوت‌اند. در همین شروع آموزش زبان فارسی در ایران چند گروه نظرات صددرصد متفاوتی داشتند. یک گروه نگاه گشتالتی دارند، بعضی روی بخش خوانی و بعضی روی کارهای بینابینی فکر می‌کنند و... در این‌گونه موارد، رسیدن به توافقی همه‌جانبه بعید است اما مهم این است که کار انسجام درونی داشته باشد و اجماع کارشناسی هم باشد و نظریه رقیب هم در آن باشد و مهم اینکه بتوان آن را خوب اجرا کرد.





نوشتن بین‌برنامه‌ای

نوشتن بین‌برنامه‌ای که شما خیلی مدافع آن هستید، هم‌اکنون در چه مرحله‌ای است؟ در بعضی از کتاب‌ها و دروس شاهد فعالیت‌های نوشتاری هستیم اما اغلب این فعالیت‌ها به‌صورت جزیره‌اند و ارتباط طولی و عرضی با هم ندارند. آیا برنامه‌ای هست که به این‌ها جهت بدهد و همه را با هم پیش ببرد؟ مثلاً در علوم، ریاضیات، تاریخ،

هنر، ادبیات و... شاهد یک برنامه یکپارچه نوشتاری باشیم؟ اگر بخواهیم آموزش نوشتن را فقط به معلمان ادبیات بسپاریم، در حق آنان اجحاف می‌شود؛ زیرا همه معلمان به سهم خود مسئول آموزش نوشتن‌اند.

سازمان در مرحله مطالبه از گروه‌ها و مؤلفان است؛ یعنی از همه مؤلفان کتاب‌های درسی دوره متوسطه خواسته‌ایم که از جنس نوشتن، در کتاب، تمرین داشته باشند اما طرحی جامع برای این موضوع نداریم و باید برای آن ماکروپلن یا طرحی تهیه کنیم که در آن ریزمهارت‌ها و سهم‌ها مشخص شوند. برای مثال، وقتی شما می‌گویید به موضوعات ارزشی بپردازید این یک مطالبه است اما اگر روزی خواستید آن را اجرا کنید، باید ماکروپلن داشته باشید. نوشتن هم از این جنس است. ما در فاز ماکروپلن هستیم.

لذا شما در هر کتابی که وارد شوید، فعالیت‌ها و مطالباتی از دانش‌آموز می‌بینید که مربوط به موضوع نگارش هست یا نه، اما اینکه آیا برنامه جامعی در این زمینه هست باید بگوییم خیر. این در فاز بعدی است.

البته الان برای ورود به این بخش نمی‌شود بازه زمانی تعیین کرد. چیزی که اکنون به آن رسیده‌ایم و وجود دارد، در برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری زبان ادب فارسی است که در آن به موضوع نوشتن، به‌صورت برنامه‌ای توجه شده است؛ یعنی مهارت‌ها و مفاهیم اساسی در این زمینه مکتوب شده‌اند و در نقشه کلان، اجزا و جغرافیای یادگیری نوشته شده است. در این برنامه تمام مهارت‌های چهارگانه از جمله نوشتن طراحی شده‌اند. آنچه باید بعدها طراحی شود، ماکروپلن نوشتن درباره دروس حامل است نه عامل. می‌دانید ما دو نوع درس داریم؛ کتاب‌های نگارش درس‌های حامل ما هستند و سایر کتاب‌ها، دروس حامل. تعیین کردن سهم دروس حامل ماکروپلن ماست. عرض کردم هم‌اکنون ما در حال مطالبه از گروه‌ها هستیم و ان‌شاءالله وارد برنامه جامع هم خواهیم شد.

برون‌سپاری تألیف

با توجه به ظرفیت‌های غنی خارج از نظام اداری آموزش و پرورش در زمینه تولید محتوا و حتی تدوین کتاب درسی، آیا این امکان فراهم شده است که از این ظرفیت به خوبی استفاده شود؟

می‌دانید که این کتاب‌ها در بستر زمانی بسیار فشرده‌ای پایه به پایه تألیف می‌شود. در این گونه فضاها زمان نیست که گروه‌هایی را بیاورید و کارها را به آن‌ها تفهیم کنید و بسپارید و ببینید آیا می‌توانند آن را انجام دهند یا نمی‌توانند؛ یعنی در ظرف زمانی تولید سال به سال افرادی را که با برنامه فعلی مرتبط نبوده‌اند، نمی‌توانید مدیریت کنید و کار ریسک‌پذیر هم نیست. یک موقع در فضای آزاد می‌خواهید کتابی تألیف کنید و زمان مطرح نیست ولی در اینجا باید کتاب در اول مهر آماده باشد. پس باید این کار را به کسی بسپارید که مطمئن باشید دیدگاه را می‌داند و کتاب را می‌نویسد.

الان ما در کتاب زبان انگلیسی این کار را کرده‌ایم و با سفارش کارها را می‌خریم. در خیلی از زمینه‌ها می‌شود این کار را انجام داد. من معتقدم که می‌شود چندتألیفی هم باشد. هیچ دلیلی ندارد که نگارش ما تک‌تألیفی باشد. نه منبع کنکور است و نه درسی است که بگوییم فقط این گروه بلد است و دیگری نمی‌داند. فقط باید به نقطه‌ای برسیم که بتوانیم سفارش کار را بدهیم. به‌ویژه اینکه استانداردهای نگارش در این چند سال به خوبی تولید شده و در دسترس است. می‌توانیم چنین کاری را به زودی آغاز کنیم و فراخوان بدهیم.

من خیلی تلاش می‌کنم که فضای تولید از انحصارها بیرون بیاید.

